



پایه :	۱۰	موضوع :	اصول ۲
تاریخ :	۹۰/۳/۱۹	ساعت :	۱۶

نام کتاب: کفایه الاصول، از تنبیهات الاستصحاب تا پایان کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. من أحدث ثم غفل وصلى ثم شك في أنه تطهر قبل الصلاة د ۴۵۹

أ. لا يجرى الاستصحاب لعدم وجود اليقين السابق

ب. يجرى استصحاب الحدث لأنه لو التفت لشك

ج. يحكم ببطان الصلاة لعدم الطهارة واقعاً

د. لا يجرى الاستصحاب لعدم فعلية الشك قبل الصلاة ■

۲. كون المستصحب حكماً شرعياً أو ذا حكم كذلك أ ۴۷۶

أ. لازم بقاء ولو لم يكن كذلك ثبوتاً ■

ب. لازم ثبوتاً و بقاءً

ج. غير لازم ثبوتاً ولا بقاءً

د. لازم ثبوتاً لا بقاءً

۳. على رأى المصنف وجه تقديم الاستصحاب على القرعة ب ۴۹۴

أ. وروده عليها

ب. اخصية دليله من دليلها ■

ج. أشهرية دليله من دليلها

د. حكومته عليها

۴. به نظر مصنف، بنابر اخذ به مرجحات أ ۵۰۸

أ. تعدى از مزایای منصوبه، دلیل ندارد ■

ب. به هر مزیتی، تعدی می‌شود

ج. به ما یوجب الظن، تعدی می‌شود

د. به ما یوجب الاقربیه، تعدی می‌شود

تشریحی:

* لا يخفى أن الطهارة الحديثة والخبثية وما يقابلها يكون مما إذا وجدت بأسبابها، لا يكاد يشك في بقائها إلا من قبل الشك في الرفع لها، لا من قبل الشك في مقدار تأثير أسبابها، ضرورة أنها إذا وجدت بها كانت تبقى ما لم يحدث رافع لها، فلا أصل لأصالة عدم جعل الوضوء سبباً للطهارة بعد المذى، وأصالة عدم جعل الملاقاة سبباً للنجاسة بعد الغسل مرة، كما حكي عن بعض الأفاضل، ولا يكون ها هنا أصل إلا أصالة الطهارة أو النجاسة. ۴۶۷

۱. توهم بعض الأفاضل چیست؟

توهم: اگر طهارت امر تکوینی باشد، شک در بقاء آن همیشه از قبیل شک در رافع است اما اگر امر اعتباری باشد شک در آن از قبیل شک در مقتضی است؛ چون نمی‌دانیم معتبر طهارت را تا کجا اعتبار کرده است. بنابر این در مازاد از قدر مسلم آن شک می‌شود و شک در مقتضی خواهد بود لذا استصحاب بقاء جاری نیست فقط استصحاب عدم طهارت جاری است.

۲. چرا مثبتات طرق و امارات حجت است ولی مثبتات استصحاب حجت نیست؟ ۴۷۳

طرق و امارات همان طور که حکایت از مؤدی می‌کنند حکایت از لوازم آن هم می‌کنند و دلیل اعتبار طرق و امارات هم اطلاق دارد هم مؤدی را معتبر می‌کند و هم لوازم آن را چون هر دو محکی است و مقتضی دلیل اعتبار اماره حجیت حکایت آن است اما در دلیل استصحاب حد دلالت دلیل اثبات مشکوک به لحاظ آثار شرعی آن است تعبداً و نه بیشتر.

* إذا أخذ الزمان ظرفاً لكل من العام والخاص، [كما إذا قال: «أكرم العلماء دائماً»، و «لا تكرم زيداَ العالم يوم الجمعة»، وشككنا في وجوب إكرام زيد وعدمه يوم السبت]. ٤٨٣

٣. به نظر مصنف، در فرع فوق به عموم عام رجوع می‌شود یا به استصحاب حکم خاص؟ چرا؟

به استصحاب حکم خاص رجوع شود؛ چون یقین سابق (حرمت اکرام در روز جمعه معلوم است) روز شنبه نیز در بقاء آن شک می‌کنیم دلیل اجتهادی که رافع شک باشد علی‌الفرض وجود ندارد؛ پس استصحاب جاری است. اما اینکه دلیل اجتهادی نداریم چون عموم عام بیانگر بیش از یک حکم نبود و آن هم علی‌الفرض تخصیص خورده است (بله اگر زمان عام مفرد بود وجوب اکرام روز شنبه ثابت می‌شد و با وجود دلیل عام) ارکان استصحاب در طرف خاص، مختل می‌شد.

* النسبة بين الاستصحاب وبين سائر الأصول العملية هي يعينها النسبة بين الأمانة وبينه، فيقدّم عليها ولا مورد معه لها، للزوم محذور التخصيص إلاّ بوجه دائر في العكس وعدم محذور فيه أصلاً، هذا في النقلية منها. وأما العقلية فلا يكاد يشتهر وجه تقديمه عليها، بداهة عدم الموضوع معه لها، ضرورة أنّه إتمام حجة وبيان ومؤمن من العقوبة وبه الأمان، ولا شبهة في أن الترجيح به عقلاً صحيح. ٤٩٠

٤. نسبت بین استصحاب و اصل برائت را توضیح دهید.

استصحاب چون بیان است موضوع اصل برائت عقلی یا قبح عقاب بلا بیان و موضوع برائت شرعی که عدم العلم است را بر می‌دارد (ورود دارد)

٥. «تعارض» را تعریف کنید. ٤٩٦

١. التعارض هو تنافي الدليلين أو الأدلة بحسب الدلالة ومقام الانبات على وجه التناقض أو التضاد حقيقة أو عرضاً.

* لأجل اختلاف الأخبار المشتملة على الترجيح اختلفت الأنظار. فمنهم من أوجب الترجيح بها، مقيدين بأخباره إطلاقاً التخيير، وهم بين من اقتصر على الترجيح بها، ومن تعدّى منها إلى سائر المزايا الموجبة لأقوائية ذى المزية وأقربيته، كما صار إليه شيخنا العلامة أعلى الله مقامه أو المفيدة للظن، كما ربما يظهر من غيره. ٥٠٤

٦. تعارض بین ادله تخيير و ادله تراجيح را توضیح داده، روش‌های مذکور برای رفع آن را بیان کنید.

تعارض: ظاهر ادله تخيير اين است که عند التعارض مکلف در اخذ به هر کدام مخير است، چه ترجیحی باشد و چه نباشد. و ظاهر ادله تراجيح، لزوم اخذ به مرجح است.

رفع: ادله تراجيح اخصّ است و در فرض وجود مرجح، اخذ به مرجح را لازم می‌داند. اما در اینکه مفاد اخبار تراجيح چیست، اختلاف است. برخی همان قدر را که ذکر شده، مقید اطلاقات تخيير می‌دانند. برخی معیار را بر مقرب بودن مزایا می‌دانند. و گروهی معیار را ظن به صدور می‌دانند و نسبت آن را به واقع نمی‌سنجند.

* منها: ما قيل في ترجيح ظهور العموم على الإطلاق فيما دار الأمر بينهما من كون ظهور العام في العموم تنجيزياً بخلاف ظهور المطلق في الإطلاق؛ فإنّه معلق على عدم البيان، والعام يصلح بياناً. ٥١٣

٧. با توجه به متن، وجه ترجیح ظهور عام بر اطلاق را بنویسید.

وجه ترجیح: اظهاریت عام در عموم از مطلق در اطلاق است؛ چون ظهور عام در عموم تنجیزی است؛ زیرا مستند به وضع است. اما ظهور مطلق در اطلاق، تعلیقی است و معلق بر مقدمات حکمت است و یکی از مقدمات حکمت عدم بیان است و عام، بیان است. پس عدم اخذ به اطلاق از باب عدم تمامیت مقتضی اطلاق است، به خلاف عام که مقتضی آن تام است و وجهی برای رفع ید از آن نیست.

✱ قال الشيخ الانصارى: مورد الترجيح بالمرجح الجهتى (موافقة الخبر للتقية) تساوى الخبرين من حيث الصدور، إما علماً كما فى المتواترين، أو تعبدًا كما فى المتكافئين من الأخبار، وأمّا ما وجب فيه التعبد بصدور أحدهما المعين دون الآخر فلا وجه لإعمال هذا المرجح فيه، لأنّ جهة الصدور متفرّع على أصل الصدور. ٥١٩

٨. مدعا و دليل شيخ را توضيح دهيد.

مدعا: ترجيح به مخالفت خبر للعامة در جايى است كه مرجح صدورى وجود نداشته باشد.

دليل: مرجح جهتى فرع بر ثبوت خبرين است و از آنجا كه فرع نمى تواند مثبت اصل باشد و تا اصل نباشد صحبت از فرع بى معناست، ترجيح به آن، پس از اثبات صدور است.

٩. «اجتهاد مطلق» را تعريف كرده، شبهه عدم تحقق اين نوع اجتهاد را بيان كنيد. ٥٢٩

فلاجتهاد المطلق هو ما يقتدر به على استنباط الأحكام الفعلية من أمانة معتبرة أو أصل معتبر عقلاً أو نقلاً فى الموارد التى لم يظفر فيها بها.

شبهه: انّ الاجتهاد المطلق غير ممكن لتعدد المسائل وقلة الأخبار الظاهرة الخالية عن المعارض و حصول العلم بتمام الأحكام غير ممكن و رأينا المفتى كثيراً ما يتردد فى المسائل.